

محمد جناب زاده

از خود بطلب هر آنچه خواهی

در آغاز سلطنت و شهر یاری اعلی حضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی آریامهر بنا بامر ملوکانه از طرف وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش امروز) یکدوره کتابهای ادبی مانند قابوسنامه، انوار سہیلی، کلیلہ دمنہ، مرزبان نامه، عقد العلی، گلستان و بوستان، نخبه وزبدہ شاهنامه فردوسی و آثار زنده بزرگان ایران بوسیله دانشمندان معاصر بررسی و معانی لغات نیز در پایان کتاب یا در ذیل صفحات نوشته شده و در تلو برنامه دبیرستان تدریس می شد.

مقدمه ای که با مضای وزیر وقت بر این منتخبات افزوده شده بود بدین

شرح بود.

«شک نیست که جوانانی که در دبیرستانها دانش و فرهنگ می آموزند باید از ادبیات زبان فارسی بقدر کفایت آگاه شوند و با نگارشهای فصحاء و بلغاء مأنوس گردند و از این امر دو فائده بزرگ منظور است نخست اینکه از آشناسدن با زبان و بیان سخن سرایان بزرگ رموز زبان فارسی را بخوبی در میابند و شیوه نگارش را فرا میگیرند و اگر این اوقات نویسندگان بلند پایه در میان ایرانیان کم دیده می شود از آنست که این اواخر از این کار غفلت ورزیده اند.

فائده دوم این است که آثار سخنگویان بزرگ البته از معانی و نکات اخلاقی و حکمتی و عرفانی و علمی و ذوقی خالی نیست و بنابراین موانست با آنها سبب تربیت اخلاق و وسعت ذهن و قوت فکر و سلامت ذوق می شود و برای هر کس سرمایه گرانبھائی از ادب و فرهنگ فراهم میسازد.

ملت ایران دارای این سعادت است که آثار ادبی سخن سرایانش بسیار فراوان

است ولیکن به سبب همین وفور نعمت برای جوانان در مدت پنج شش سالی که در دبیرستان میگذرانند با اشتغالات متعدد دیگر که دارند میسر نیست بر سراسر آثار ادبی فارسی احاطه یابند پس دانش آموزان در انتخاب کتابهایی که مؤاخذت آنها اهمیت و ضرورت دارد سرگردان میشوند و غالباً دسترسی برای ایشان میسر نیست باین ملاحظه وزارت فرهنگ بر خود لازم دانست که آنچه را از آثار نظم و نثر فارسی شایستگی و لزوم دارد که مورد مطالعه دانش آموزان شود تعیین کرده و بصورت مرغوب بچاپ رساند الخ ... »

آنچه بخاطر دارم

آقایان احمد بهمنیار - محمد حسین فاضل تونی استاد دانشگاه و دانشمند محترم عبدالرحمان فرامیزی یکدوره صرف و نحو و قرائت عربی برای سالهای تحصیلی دبیرستانها تألیف نمودند که از همه جهت کافی بنظر می آید .

یکدوره کتاب قرائتی پارسی نیز از آثار بزرگان برگزیده شد و بچاپ رسیده که شامل دستور زبان هم بوده است .

مرحوم محمد علی فروغی نكاه الملك منتخباتی گرانمایه از شاهنامه فراهم آورد که در دبیرستان جزء برنامه بود .
مرحوم حسین سمیعی آئین پرورش را تألیف نمود - کلیله و دمنه و ابن خلکان را بزبان عربی برای قرائت فقید سعید فاضل تونی نگاشت .

منتخب کتاب آغانی با اهتمام مرحوم محمد علی خلیلی قدس سره تصحیح و بچاپ رسید و برای قرائت متن عربی کتابی عالی بشمار می آید .

سیاست نامه خواجه نظام الملك به تصحیح دانشمند فقید عباس اقبال آشتیانی

بچاپ رسید .

کلیله و دمنه ترجمه و نگارش نصرالله بن محمد بن عبدالحمید با اهتمام و تصحیح و حواشی مرحوم عبدالعظیم قریب طاب نراه بچاپ رسید .
آثار و تألیفات و منتخبات دیگری هم در حواشی و متون بر نامه های ادبی انتشار یافته که فهرست آنها را در دست ندارم .

آشنائی دانشجویان بادیات ملی و فرهنگ ایرانی پاسدار پولادین زبان و اخلاق و معارف ما بوده و هست و امروز در بر نامه های آموزشی تا چه اندازه منظور و مطلوب و امر لازم الاتباع شاهانه مایه بیشتری در دبیرستانها یافته نیازمند تحقیق است .

تعلیمات سمعی و بصری خواه در تصاویر سینما یا جام جهان نما و یا نوشته ها و گفتگوها و تکیه کلامها و انتخاب نامها و آنچه از طریق مشاهده و حس قابل لمس است گواه صادقی مبنی بر تأثیر اصول تدریس بر بنیاد فوق نیست بنابراین غفلتی را که وزیر فرهنگ یاد آور شده اند باید بکلی مرتفع گردد .

شك نیست که ما انتظار نداریم که نایبهای جامع العقول والمنقول چون ابوعلی سینا در دانش و بینش بوجود آید - در جوامع آماده تری از لحاظ وسائل علمی و عملی هم چنین نبوغی طالع نخواهد شد زیرا دایره علوم و فنون بسیار وسیع و هر واحدی دارای کثرات عدیده ای شده که اگر فردی با هوش و ذکاوت خداداد و شرایط مساعد محیط توانست فروغی از این کثیر را به بیند و بدرستی از حقایق آن آگاه شود برآستی دانشمند است .

با فزونی رشته های علمی و عملی در زمان ما اگر بر مبادی اصولی و سنجش میزان کار بزرگان خودمان را از لحاظ دانائی و بینائی با یکی از پرکارترین و با هوشترین خردمندان این عصر که شهرت عالمگیر دارد در هنگام توزین مورد مطالعه قرار دهیم باز کفه عالمان شناخته شده خودمان را در جهان علم سنگین تر می بینم .

ابن سینا يك دائره المعارف جامع است و صاحب آثار و تألیفات بیشمار در طب و حکمت و مبدع اغلب اصول در همه چیز صحیح است که بنیان مطالعات و پژوهشهای عالمان و محققانی چون ابوعلی کتابهای هندی و یونانی بوده اما محقق است که طالبان علم چون رازی و بیرونی و دیگر آنها ترجمه صحیح این منابع را در دست نداشتند و امکان لغزش برای آنها زیاد بود لیکن قدرت خلاقه این مجاهدان طریق معرفت و هوش و ذکاوت خداداد آنها موجب شد که نقطه‌های مجهول و یا معدوم را موجودیت بخشند و از سوی دیگر این نکته زیاد تر قابل تقدیس است که آثار افلاطون و برخی حکیمان یونانی که دارای تناقضات و ناسازگاریهای بیشمار است و اغلب مطالب و نظرات آنها مانند کتاب جمهوری افلاطون نه با شرع و دین سازگار بوده و نه قانون و نوامیس مسلم و قطعی و غیر قابل تخلف طبیعت که فصل مشبعی از آنها را جرج سارتون ۱۹۵۷-۱۸۸۴ م در تاریخ علم (ترجمه آقای احمد آرام) شرح داده است .

وعدم‌ای از محققان مغرب زمین که بعد از وقوف بمعارف یونان قدیم متوجه شده‌اند که فرهنگ پنهان در دوره درخشان معارف اسلام از بسیاری شطحیات و نوسازیهای بیپوده حکیمان یونانی که با عقل و نقل و نقل سازگار نبوده چشم پوشیده‌اند با همه این تدقیقات و رعایت حزم و احتیاط بازگروهی از بزرگان علم چون غزالی با افکار فلسفی ابن سینا به مخالفت برخاسته و برگفته‌های ارسطو ایراد وارد آورده و انتقاد کرده‌اند و شك نیست که یکی از عوامل مؤثر در پدیده‌های فرقه‌های مذهبی در اسلام و مسیحیت از گوشه‌های مشکوک فلسفه یونان بوده معذک جرج سارتون را عقیده بر این بوده که میباید همه آن آثار از زشت و زیبا نقل و منقول شده باشد و اگر چنین می‌شد بطور قطع و مسلم افلاطون که انحرافات مزاجی داشته به سبب لغزشها و غرور سازندگی بر ضد نوامیس طبیعت از پوشاک عرفان و جنت مکانی بدر می‌آمد و عامه معنی و عشق افلاطونی‌ها را بدرستی درمی‌افتند و میدانستند که این شاگرد سقراط

و معلم ارسطو شایسته چه مرتبتی در علم و فلسفه است :

در هر حال بقول دبیر روس مؤلف تاریخ علوم (ترجمه آقای حسن صفاری) که در سال ۱۹۲۵ میلادی در فرانسه انتشار یافته و ناقل نظر (بیردوهم) است میگوید : «فرهنگ اسلام قسمتی از ثروت دنیای عتیق را از مهلکه نجات داد و می باید فوق العاده نسبت بآنان حق شناس باشیم»

و میدانیم اکثر بزرگان علم و هنر در معارف اسلامی ایرانیا نند که هر کدام تألیفات گرانها و ابتکاری دارند .

محمد زکریای رازی (۲۴۰ ق ه) علوم را طوطی وار یاد نگرفته بود - مرد تحقیق و پژوهش بود کاشف الکحول (الکحل) و اسید سولفوریک (جوهر گوگرد) و یابنده درمان بسی دردها و علائم بروز امراض و مصنقات زیاد دارد که معروفترین آنها (الحاوی) و (الفصول) کتاب امراض ابله و سرخک او چهل بار در اروپا تجدید چاپ شده است (از سال ۱۹۴۸ تا ۱۸۶۶) .

ابوریحان بیرونی در ۳۶۲ در بیرون (حوالی خوارزم ، تولد یافته . عشق وافری که بعام داشته و بهمراه محمود غزنوی به هندوستان رفته در آنجا ریاضیات و نجوم و هندسه را که در آن زمان در هند در حد عالی ارتقا بوده فرا گرفته زبانهای سنسکریت و عبری و سریانی را تحصیل کرده در زبان عربی که زبان علمی معارف اسلامی بوده است توانا و آثار و تألیفات بی شمار دارد که معروفترین آنها - التفهیم لاوائل صناعه النجیم) و تحقیق ما للهنداست می گویند ۱۱۳ تألیف داشته است .

ابوالفتح سید الحکماء الشرق ابراهیم عمر خیام در سال ۴۷۱ ه ق با مر ملک شاه مأمور اصلاح تقویم شد که به تقویم جلالی معروف و نواقص تقاویم گریگوری را ندارد .

خیام در فلسفه و فقه و لغت و حکمت و ابداع در ریاضی و جبر و مقابله سرآمد

بوده و متأسفانه بدستیاری فیتزجرالد انگلیسی در میان نسل نوگرای ما شاعری قلندر و لاابالی معرفی شده و حق این حکیم بزرگ را ضایع کرده اند اما دانایان مغرب - زمین حق او را می شناسند و مورد تکریم و تعظیم نزد خواص دانشمندان اروپا و امریکا می باشد و تألیفات عدیده دارد و این ناچیز در رساله دفاع از شخصیت خيام به تفصیل در این باره بحث کرده ام .

و بطور خلاصه ابونصر فارابی تألیفات ارزنده ای در باره مدینه فاضله و مدینه جاهله و غیره دارد و در غالب علوم سرآمد بوده است و اگر بخواهیم از خوارزمی و ابو-معرش بلخی - جابر بن حیان (دارای ۳۲ اثر نفیس علمی و تحقیقی) و شیمی دان معروف که در مکتب امام صادق (ع) تحصیل کرده - خواجه نصیرالدین طوسی معروف که دارای تألیفات زنده ای در علوم است با همه گرفتاریهایی که در کار دولت داشته میگوید :

لذات دنیوی همه هیچ است نزد من

در خاطر از تغیر آن هیچ ترس نیست

روز تنعم و شب عیش و طرب مرا

غیر از شب مطالعه و روز درس نیست

و رصدخانه مراغه از اوست .

ابن جریر طبری (تولد ۲۲۴ هـ ق در شهر آمل مازندران متولد و مورخی عالیقدر است - جهانگرد جغرافی نویس مشهور که کتاب حسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم بنام اوست - ابواسحاق استخری که جهان شناسی را با مشاهدات بدست آورده است . شرح حال بزرگترین حکیمان و پزشکان و منجمان و ریاضی دانان که اغلب آنها همه این علوم را میدانستند و محقق بودند در یک مقاله نگنجد و غرض این بود که به ثبوت برسد . همه این بزرگان که آثارشان زیر ذره بین پژوهشگران مغرب زمین

در آمده و مورد استفاده و بهره برداری آنها شده قائم بنفس و عارف بحقایق علوم بوده اند و تا از خود نبوغ و ابتکاری نشان ندادند نام معلم و استاد بآنها اطلاق نشد و شك نیست که پیشوای معظم و رهبر عالیقدر ملت و مملکت خواهان استقلال علمی و هنری در دانش و بینش میباشند و شرف و فضیلت را در تحقیق و تأدیباتی میدانند نه اکتسابی (چون طوطی و نواز ضبط صوت) که امری است مطاع و متبوع.

این کیاست و ادراک و قبول تأدیبات و تعلیم و معرفت حقایق و تلاش و کوشش در بینش را باید بر مقتضای طبیعت ملی و تاریخی و میراثی استوار کرد و از این لحاظ معرفت عرفان در آثار بزرگان که با هوش و گوهر اصیل ایرانی جان به مغناطیسی دارد عامل نفوذ در روح و مغز و قوه ناطقه دانشجویان خواهد شد که آنرا نفس ملکسی خوانند.

در آثار بزرگان این سرزمین يك شوق التذاذ بخش وجود دارد که طالب علم را بسوی حکمت و عفت و عدالت و ایثار می کشاند و مستعد درک حقایق و تشنه دانش مینماید و حالات روحانی در مجاهد طریق دانش بوجود می آورد که لذت علم را بالاترین لذتها بشمار می آورد و آنچه تعلق بنفس حیوانی دارد در او فانی و نفس ملکسی در او زمام اندیشه را در اختیار می گیرد.

در آثار بزرگان ما خاصه در کتابهای ادبی و اخلاقی ذکاء و سرعت فهم و صفای ذهن و حسن تعقل بکار رفته و غور و مطالعه و معرفت در آنها قوه ممیزه را رشد می دهد. شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی در ظاهر حماسه ملی و تاریخ پرمبانی روایات است ولی در معنی گنج ادب و حکمت و فضیلت و انسانیت که در آدمی بلند همتی، عدالت دوستی، شهامت و شجاعت و اعتدال و وقار و متانت و علو طبع را پرورش میدهد. در گلستان سعدی و بوستان او انواع فضائل و تدبیر و حکمت و الفت با روان ملکوتی و بینائی وجود دارد زیرا حکایات آن محصول يك عمر مشاهده و تجربه و معاشرت

با مشاهیر حکیمان و عارفان و جهانگردی وسیر آفاق و انفس است .
 شکوه از تغییر روش بعضی جوانان باید دید آیا حرکت جوهری یا عرض است؟
 آنچه در مغرب زمین رخ داده و اصطلاح سنت شکنی را موجب شده ذاتی است و
 معلول حوادث و نمره مستقیم دو جنگ ویرانگر در فواصل بسیار کوتاه که هدف جنگجویان
 پیروزی و غلبه بوده اگرچه بنا بودی تمام مبادی حیاتی موجود در ماده و معنی و اخلاق
 و عقاید باشد - و این امر طبیعی است که وضع جوانان باختر علاوه بر بیماری خود-
 فراموشی که ضربات کوبنده میدان جنگ و بمبارانها مولد آن بوده دشمنی با سنن و
 عاداتی که دنیا را کانون فتنه و آشوب و ولکان آتشفشان ساخته و خاموش نشده و شامل
 هدفی برای آرمان مقدس میهنی یا انسانی نیست از عقاید مائیه بشمار می آید .

آیا تقلید از آن اندیشه‌ها و روشها و پوشاکها در ایران عرض است و مولود هوی
 و هوس زیرا دلیلی عقلی و منطقی برای عصیان و خصومت و کینه ورزی با سنت‌ها
 وجود ندارد و مرض نیست بلکه تمارض است و بدیهی است اگر چشمها و گوشها باز
 نشود و غفلت‌های اصولی (در تعلیم و تربیت و پرورش اخلاق بر مبادی ایمان بخدا و
 دین و آموزش بر مدنیت موجود و ارزنده و فرهنگ اصیل ملی ما دوام پیدا کند یقین
 است این بیماری پنداری مبدل به مرض روانی میشود .

تمدن موجود و طبیعی را نمی‌توان در مسیر آن تحولات متنوع ساختگی و تقلیدی
 و اشارات و تائیدات نامرئی قرارداد تشویق از روشهایی که مبداء تحرك آن نامعلوم
 و هیچ چیزی بجای خودش نباشد اشتباه است .

پس طالب فضیلت را در تحصیل کمالی که طبیعی اوست باید رهبری کرد - طبیعت
 بمنزله معلم و استاد است و بنابراین آنچه در طول تاریخ یافته‌ایم اگر بآنها توجه
 کنیم ذهن ما را از ضلالت صیانت مینماید و سعادت نفسانی - سعادت بدنی - سعادت
 مدنی ما را پاسدار خواهد شد ورنه داستان زاغی و کبک تکرار می‌شود و خدا کند که
 جوانان ما با فطرت پاکی که دارند هشیار هم بشوند .